



## صور بلاغی خطبه فدکیه

دکتر عظیمه، ریحانی اردبیلی

مدرس دانشگاه فرهنگیان

Reihanys@yahoo.com

زهرا منظوریان

انشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه شهید باهنر تهران

کبری شریفی

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته الهیات (علوم قرآن و حدیث) دانشگاه شهید باهنر تهران

### چکیده:

خطبه فدک سخنرانی حضرت فاطمه سلام الله علیها است که در مسجد مدینه پس از درگذشت پدر بزرگوارشان صورت گرفت. هدف حضرت از ایراد این سخنرانی، ظاهراً بازپس گرفتن "فدک" بود اما در واقع تبیین بسیاری از حقایق و معارف الهی بود. محتوای این خطبه، شامل توحید، نبوت، معاد احکام، قرآن، وضعیت عربستان پیش از بعثت، فعالیت‌های پیامبر و حضرت علی علیهما السلام برای گسترش و تثبیت اسلام، فتنه‌ها، غدیر خم، عهد شکنی مردم، ماجرای سقیفه و مخالفت با نص صریح قرآن است.

فصاحت و بلاغت و وجود، آرایه های لفظی و معنوی در کلام، بسیاری را بر آن داشته تا این خطبه را از لحاظ زیبایی شناختی مورد

بررسی قرار دهند. (شهبیدی، زندگانی حضرت زهرا ص ۱۲۲).

واژگان کلیدی: خطبه فدکیه، استعاره، کنایه، تشبیه، تلمیح

### مقدمه:

فدک نام قریه ای است در منطقه حجاز در ۱۶۰ کیلومتری مدینه که بسیار آباد بوده و نخلستانها و مزارعی در خود داشته است.

یهودیان که از مسلمانان در جنگ های مختلفی شکست خورده بودند در جریان فتح فدک ناچار به صلح با محمد (ص) شدند و



فدک تسلیم مسلمانان شد و چون بدون جنگ در اختیارشان قرار گرفت لذا ملک شخصی پیامبر گشت و با نزول آیه ۲۶ سوره اسراء طبق دستور خداوند حضرت محمد (ص) فدک را به عنوان صدقه به دخترش فاطمه بخشید. پس از رحلت پیامبر تعیین ابوبکر به عنوان خلیفه وقت، ابوبکر اظهار کرد که خود پیامبر گفته است اموال پیامبران به ارث نمی‌رسد و باید صرف صدقه شود. لذا فدک را از حضرت فاطمه (س) پس گرفت و اوضاع آشفته شد. حضرت فاطمه با استدلال و شهادت شاهدان، مدعی بود که پیامبر در زمان حیات، فدک را به ایشان بخشیده است. اما ابوبکر زیر بار نرفت و از بازگرداندن این اموال به ایشان سرباز زد. (عالم زاده دایرة المعارف بزرگ اسلامی ص ۲۳۱)

اما سوال ما در این مقاله این است که چرا خطبه تاریخی حضرت زهرا سلام الله علیها در زمره فصیح‌ترین خطبه‌های اهل بیت علیهم السلام معرفی شده است؟

خطبه فدکیه با توجه به قالب مضامین بالایی که دارد، از زبان خلاق کسی صادر شده است که مصداقا خطیب نبوده است ولی توانایی ایشان در برقراری یک ارتباط خوب در تمامی بخش‌های خطبه کاملا مشهود است.

و این ارتباط نشأت گرفته از یک نظم منطقی و بلیغ می‌باشد.

ضرورت پرداختن به این خطبه از آن جهت است که خطبه فدکیه از فصاحت و بلاغت بسیار بالایی برخوردار است؛ تعبیرات این خطبه مقتدرانه است و در فصاحت و بلاغت همانند خطبه‌های نهج البلاغه است. به نحوی که این خطبه را باید از نظر فصاحت، بلاغت و جامع بودن، شاهکار آن حضرت و گواه بر عظمت حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها دانست.

لذا آن حضرت در هر بخش از الفاظی فصیح و بلیغ و پرتین و عمیق و بیدارگر استفاده می‌کند که خطبه را در ردیف فصیح‌ترین خطبه‌های معصومین علیهم السلام قرار داده است.

**پژوهش‌های بسیاری در این موضوع انجام شده است که از آن جمله است:**

در زمینه بررسی زیبایی شناسی خطبه فدکیه خانمها لیلا قنبری، نفیسه حاجی رجبی و اصغر طهماسبی پژوهشی ارزنده انجام داده‌اند. به نظر آنها حضرت زهرا(س) با بهره‌گیری صحیح از آیات قرآن و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله وسلم احتجاجات خود را در قالب هنری و محسوس ارائه می‌دهد، به گونه‌ای که نه تنها مفاهیم القاء می‌شود، بلکه در ذهن مخاطب تصویرسازی هنری از وقایع محسوس آن زمان شکل می‌گیرد.



مقاله دیگر در زمینه ویژگی‌های خطابی خطبه فدکیه نوشته فرشته ندری ابیان می‌باشد.

این مقاله با توجه به شاخصه‌های منطقی مشهور در «فن خطابه»، به تأمل در ارکان خطبه فدکیه پرداخته و در این زمینه، ضمن توضیح روش خطابه در مبحث «صناعات خمس» منطقی، شواهد بارزی از فرازهای خطبه را برای احراز کم و کیف ویژگی‌های خطابی آن بیان نموده است.

موضوع مقاله دیگر، برجسته‌سازی در خطبه فدکیه است نوشته حسن مقیاسی و سمیرا فراهانی.

آنچه در این مقاله بدان پرداخته می‌شود، تحلیل ادبی خطبه فدکیه از منظر نظریه برجسته‌سازی است. بر این اساس، متن روایی خطبه بر طبق دو شیوه قاعده‌گامی و قاعده‌افزایی، بررسی شده و زیباییهای ادبی به کاررفته در آن تحلیل و تبیین می‌شود. مقاله حاضر نیز در بیان فنون بلاغی استعاره، کنایه، تلمیح و تشبیه می‌باشد.

(در مقام استعاره) حضرت در جایی از خطبه می‌فرمایند: تا این که به سبب ما سنگ آسیای اسلام به گردش درآمد ( که مقصود جاری شدن خیر و برکت در زندگی مردم بوده است. )

و یا خطاب به امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرمایند: ( تو کسی بودی که بال‌های باز شکاری را درهم کوبیدی )

مقصود این که : تو از شجاعان عرب بودی )

در بیان صنعت تلمیح آنجا که می‌فرماید: پاسدار حق الهی و حافظ پیمان خداوند که در دسترس همه شماست، و آنچه پیامبر (ص) بعد از خود در میان امت به یادگار گذارده که اشاره به " حدیث ثقلین " دارد.

وجود کنایه در عبارت:

( هر گاه که شاخ شیطان ظاهر می‌شد ) کنایه از توطئه‌هایی است که از طرف دشمن انجام می‌گرفت.

به عنوان مثال حضرت در فرازی از خطبه می‌فرمایند:

( آتش‌های کفر خاموش شد ) تشبیه بلیغ ( کفر به آتش تشبیه شده است. )



بررسی ساختار خطبه فدکیه از جهت فنون بلاغی:

### ۱. خطبه فدک، صفات و ویژگی‌های آن

خطبه فدک یکی از مهم‌ترین و در عین حال زیباترین خطبه‌های دینی است که حضرت فاطمه سلام الله علیها پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله وسلم در دفاع از حق شرعی خود در مسجد مدینه خطاب به انصار و یاران پیامبر که پس از رحلت ایشان از مسیر هدایت به دور افتاده و حقانیت خاندان پیامبر را نادیده گرفته اند ایراد فرمود. خطبه فدک از نظر ادبی و بلاغی نثری موزون بوده و اشتمال آن بر صنایع تشبیه، استعاره، کنایه، تلمیح و... آن را در ردیف کلام‌های مقدسی چون تورات و قرآن قرار داده است.

آن چه عجیب می‌نماید این است که خطبه حاضر، به صورت کاملاً بداهه ایراد گشته و با توجه به این مهم حتی یک نکته بی ربط غیر بلیغ نمی‌توان در آن یافت.

و حضرت در بخش‌های گوناگون خطبه، از اسلوب سه‌گانه کلام (علمی، خطابی، ادبی) متناسب با همان موضوع بهره برده و به هیچ‌عنوان همه خطبه در قالب یک اسلوب خاص نیست.

لازم به توضیح است که ایشان در آن هنگام در وضعیت روحی بدی قرار داشته‌اند و توقع ایراد کلام بلیغ از ایشان نمی‌رفته است. ضمن این که این خطبه در جمع اعراب مدینه ایراد شده است. همان عربی که در عصر جاهلیت گفتار بلیغ را می‌شناخت و درآوردن کلام و اشعار فصیح و بلیغ توانا بوده است. در چنین شرایطی بیان چنین خطبه‌ای آن چنان در نظر

خصم عجیب می‌نماید که آن را خارج از قدرت یک زن و انشای کس دیگری می‌خواند. چنان که عمر می‌گوید: «او را ترک کنید زیرا شبانه این حرف‌ها را علی تعلیمش داده است.....»

(حسینی زنجانی، ۱۳۷۵، ص ۲۲)

در این خطبه، حضرت از تمام فنون سخنوری بهره جسته که کلام او نه کلام بشری و در حد بازخواستن فدک بلکه کلامی الهی درباره علم و معرفت و احیای اسلام و ارزش‌های آن برای تمامی قرن بوده است.



## ۲. ساختار خطبه

این خطبه از سه بخش تشکیل شده است که هر یک در زیبایی و استحکام از اهمیت بسزایی برخوردار است.

### الف) حسن مطلع

از آن جا که ابتدای کلام در برقراری توجه و اثر گذاری بر مخاطب بسیار حائز اهمیت است، لذا مطلع کلام از دیرباز تا کنون همواره مورد توجه خطیبان برجسته بوده است. از این رو حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها نیز مطلع کلام خویش را با عبارت " الحمد لله علی ما انعم و له الشکر علی ما الهتم و الثناء بما قدم " آغاز نموده است که ایجاد " سجع متوازی " کرده و باعث آهنگین شدن کلام از طریق موسیقی کناری شده است.

### ب) موضوع اصلی

که شامل بیان کامل متن خطبه می شود که ضمن مقاله خواهد آمد.

### ج) حسن ختام

ختم نیز همچون مطلع از دیرباز مورد عنایت خطباء بوده چرا که ماندگاری آخرین عبارات در ذهن از تاثیر مهم آن بر جان خبر می دهد. وبه همین دلیل است که منتقدان عرب، خاتمه نیکو رابه عنوان یکی از معیار های اصلی یک خطبه برجسته شمرده اند و تأکید داشته اند که ختام بایستی به گونه ای باشد که شنونده را در انتظار نگذارد و نفس بدان آرام گیرد.

و آن حضرت در انتها آیه ۲۲ سوره مبارکه شعراء را قرائت می کنند " وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ اٰیُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ "

و می فرمایند: " و انا اینه نذیر لکم بین یدی عذاب شدید. فاعلموا انا عاملون وانتظروا انا منتظرون. "

و خطبه با انذار و تهدید خلیفه و انصار به پایان می رسد.

امیر مقدم متقی ، فصلنامه لسان مبین شماره نهم، زمستان ۱۳۹۱، ص ۲۲۱ تا ۲۰۱



۳. استعاره، تلمیح، تشبیه و کنایه در نمود فرازهایی از خطبه فدکیه

### تعریف استعاره

استعاره از ریشه «ع-و-ر» گرفته شده و به معنای عاریه خواستن و عاریه گرفتن است. (لسان العرب، ج ۴ ص ۶۱۸) در تعریف استعاره گفته‌اند: کاربرد لفظ در معنای غیرحقیقی آن همراه با علاقه تشابه میان معنای حقیقی و مجازی و قرینه‌ای که مانع از اراده معنای حقیقی می‌شود. (جواهرالبلاغه، ص ۲۵۸)

### تقسیمات استعاره

برای استعاره، تقسیماتی بیان شده که حاصل هر یک، وجود اقسام متنوعی برای آن است.

استعاره به لحاظ این که در آن، مشبّه یا مشبّه‌به حذف شده باشد، دو قسم است:

#### ۱. استعاره مصرحه

استعاره مصرحه یا تصریحیه، آن است که مشبّه حذف و مشبه به ذکر شده باشد (اسالیب البیان، الحسینی، ص ۵۲۵-۵۲۷)

#### ۲. استعاره تبعیه:

اگر صفت و فعل استعاره شوند، استعاره را تبعیه گویند.

#### ۳. استعاره بالکنایه

استعاره بالکنایه آن است که در جمله فقط مشبّه ذکر شده باشد؛ ولی مشبّه‌به بالکنایه

مورد اشاره قرار گرفته باشد؛

#### ۴. استعاره تمثیلی

هرگاه ترکیبی در معنای مشابه معنای خود به کار رود، به آن، استعاره تمثیلی گفته می‌شود (تفتازانی، المطول، ص ۳۷۹-۳۸۰). این نوع استعاره که بر نوعی تشبیه تمثیل مبتنی است.



صنعت استعاره در فرازهایی از خطبه فدکیه :

" و مجاوره الملك الجبار " ( و در جوار خداوند جبار قرار داد)

استعاره مصرحه در " الدار " که استعاره از دنیاست.

" حتی تغری اللیل عن صبحه " ( و تاریکی‌ها برطرف گشت، صبح فرا رسید )

استعاره مصرحه در " لیل و صبح " ( شب استعاره از شرک و ظلم و کفر و صبح استعاره از حق و عدل )

" و طاح و شیط النفاق، وانحلت عقد الکفر والشقاق " ( افسر نفاق بر زمین فرو افتاد و گره‌های کفر

و اختلاف گشوده شد. )

استعاره مرکب ( تمثیلیه ) به معنی باز شدن گره‌های نفاق و کفر یعنی نابودی جبهه مشرکین و منافقین در مقابل پیروزی اسلام.

" فلما اختار الله لنبيه دار انبيائه و مأوى أصفیائه " ( اما هنگامی که خداوند سرای پیامبران را برای پیامبرش برگزید و

جایگاه برگزیدگان را منزلگاه او ساخت. )

استعاره از بهشت ملکوت اعلی

" حتی إذا دارت بنا رحی الإسلام و درّ حلب الأيام ( تا این که به سبب ما سنگ آسیای اسلام به گردش درآمد )

استعاره مکنیه در حلب الأيام ( جاری شدن خیر و برکت روزگار )

" إذا كشف لكم الغطاء " ( زمانی که پرده‌ها کنار روند )

استعاره مرکب ( مراد روز قیامت است. )

" نقضت قادمة الأجدل " ( تو کسی بودی که بال‌های باز شکاری را درهم کوبیدی )

استعاره مصرحه ( از شجاعان عرب )

" فخانک ریش الأعزل " ( اینک از مرغان بی پروبال ناتوان مانده‌ای؟ )



استعاره از ابوبکر و عمر است.

### صنعت تلمیح

تلمیح از ریشهٔ لمح، در لغت به معنی به سوی چیزی نگاه اجمالی و مختصر کردن، (غیاث اللغات، ج ۱ ص ۲۵۴)  
در اصطلاح بلاغت، تلمیح یکی از صنایع بدیع معنوی است و مراد از آن اشارهٔ گوینده به ضرب‌المثل، بیت یا داستان مشهور (المعجم، ج ۱ ص ۲۸۸)

"وله الشکر علی ما الهم" (خدا را بر توفیقاتش شکر می‌کنم)

اشاره دارد به آیه شریفه: "فألهمها فجورها و تقویها" (شمس/۸)

"جم عن الإحصاء عددها" (نعمت‌هایی که از إحصاء و شمارش بیرون است.)

اشاره دارد به آیه شریفه: "و إن تعدوا نعمة الله لاتحصوها" (ابراهیم/۳۴)

"تعبدوا لبریتة" (خلایق را به عبودیت خود رهنمون گردد)

اشاره دارد به آیه شریفه: "و ما خلقت الجن والانس إلا ليعبدون"

"و زعمتم حق لكم و لله فيكم عهد قدمه إلیکم و بقیة استخلفها علیکم"

پاسدار حق الهی و حافظ پیمان خداوند در دسترس شماست و آن چه پیامبر(ص) بعد از خود در میان امت به یادگار گذارده است.

اشاره دارد به حدیث ثقلین و نیز به آیه شریفه: "قل لا أسئلكم علیه اجرا إلا المودة فی القربی" (شوری/۲۳)

"والصبر معونة علی إستیجاب الآخر" (وشکیبایی را وسیله ای برای جلب پاداش قرار داد)

اشاره دارد به آیه شریفه: "ولنبلونکم بشيء من الخوف والجوع ونقص من الأموال والأنفس والثمرات وبشر

الصابرین" (بقره/۱۵۵)





" والقصاص حقنا للدماء " ( قصاص را وسیله حفظ نفوس قرار داد )

اشاره دارد به آیه شریفه: " و لكم فى القصاص حيوۃ يا اولى الألباب " ( بقره/۱۷۹ )

" اذلة خاسئين "

اشاره دارد به آیه شریفه: " كونوا قردة خاسئين "

صنعت کنایه:

کنایه از ماده «کنی» است، و در لغت یعنی؛ سخنی که انسان می‌گوید، معنای دیگری را از آن در نظر بگیرد. [«کنیت»].

جواهر البلاغه، ص ۲۸۱ و ۲۸۳.

۹

کنایه

اصطلاحی

تعریف

کنایه در اصطلاح علم بلاغت عبارت است از: چیزی که انسان می‌گوید و غیر آن را اراده می‌کند. ( شرح جواهرالبلاغه ، حسن عرفان، ص ۲۰۳ )

" یکسر الأصنام و ینکت الهام " ( بت ها را درهم می شکست و مغزهای متکبران را می کوبید )

کنایه در الهام ( الهام جمع هامة که در اینجا به معنی بزرگان قوم است )

" حتى إنهم الجمع و لوا الدبر " ( تا جمع آنها متلاشی شد )

ولو الدبر ( کنایه از شکست خوردن است )

و فهمتم بكلمة الإخلاص فى نفر من البيض الخماص " ( در میان گروهی از انسان های سفیدروی آبرومند شکم خالی )

کنایه ( پرهیزگاران است )

" مذقة الشارب و نهره الطامع ( محل چشیدن تشنگان بودید و محل فرصت طمعکاران )



" و قبسة العجلان و موطى الأقدام " ( محل اقتباس آدم‌های عجول و لگدکوب پای‌ها بودید)

در هر چهار جمله کنایه از ( حقارت و پستی در برابر قدرت‌های بزرگ زمان است)

" أو نجم قرن الشيطان " ( هر گاه که شاخ شیطان ظاهر می‌شد )

کنایه از توطئه‌هایی است که از طرف دشمن انجام می‌گرفت.

" أو فغرت فاغرة من المشركين ( هرگاه دهان باز کننده‌ای از مشرکین دهان باز می‌کرد)

کنایه از ایجاد اغتشاش از سوی دشمن است.

" و تمشون لأهله و ولده فى الخمرة و الضراء "

کنایه از علنی و مخفی بودن دشمنی‌ها علیه اهل بیت علیهم السلام است.

" ما هذه الغمیزة فى حقى؟ و السنة عن ظلامتى؟ " ( از ظلمی که بر من وارد شده در خواب هستید)

کنایه از عدم پشتیبانی و بی‌توجهی مردم نسبت به حضرت است.

" و أظلمت الأرض لغيبه و كُسِفَت النجوم لمُصِيبته " ( تاریک و ظلمانی شد )

در هر دو جمله کنایه از این که با رحلت پیامبر صلی الله علیه واله، عالم نیز تاریک و ظلمانی شد.

" .... و خشعت الجبال "

کنایه از سستی افرادی که در گذشته همچون کوه در مقابل مشکلات و حوادث ایستاده بودند.

" تلبسکم الدعوة و تشملکم الخبرة " ( زیرپوشش دعوت من و زیر چادر خبرهای من هستید.)

کنایه از این که شما خبر دارید چه ظلم‌ها و چه بی‌حرمتی‌هایی به ما شده است.

" فذونكموها، فاحتقبوها، ذُبره الظَّهر، نصبه الخف باقیة العار " ( پس مرکب خلافت و آن فدک همه از آن

شما محکم بچسبید، ولی بدانید این مرکب پشت و کف پایش شکسته است. و داغ ننگ بر آن خورده است )



ها به فدک برمی‌گردد. فدک در اینجا به شتری تشبیه شده که جهاز آن را آماده کرده و بسته اند.

کنایه از این که خیلی هم سواری گرفتن از این شتر بی‌عیب و نقص نیست.

کنایه از این که شتر فدک شتر همواری نیست و ضعیف است.

"مُحْمَلَةٌ ثَقِيلًا وَ غَبَةً وَبَيْلًا" (حمل آن را سنگین خواهید یافت)

کنایه از بار گناهی است که در اثر غصب فدک و نادیده گرفتن حق آن حضرت، دامن‌گیر غاصبان خواهد شد.

#### صنعت تشبیه:

تشبیه در لغت به معنی تمثیل و در اصطلاح، به معنی بستن عقد مشابهت بین دو چیز یا بیشتر است که مقصود، مشارکت آنها در یک یا چند صفت برای تبیین غرضی که متکلم در ذهن می‌پروراند، می‌باشد. (جواهرالبلاغه ص ۲۵۶).

۱۱

تشبیه	دارای	چهار	رکن	است: تشبیه
مُشَبَّه	: آنچه	به	چیزی	مانند
مُشَبَّهٌ	: آنچه	مشبّه	را	بدان
وَجْهٌ	: صفت	مشترک	مشبّه	و
			مشبّه	مشبّه

مشبّه و مشبّه به را دو طرف تشبیه یا طرفین تشبیه می‌نامند.

"تشبیه از بالاترین انواع بلاغت و شریفترین آن است" (الاتقان فی علوم القرآن-سیوطی-۱۳۷۶ ج ۲ ص ۱۴۰)

تشبیه به اعتبار وجه شبه:

الف) تشبیه مفصل: اگر وجه شبه حذف نشود. العلم کالنور ضیاء.

ب) تشبیه مجمل: اگر وجه شبه حذف شود. العلم کالنور.

ج) تشبیه بلیغ: اگر ادات تشبیه و وجه شبه هر دو حذف شوند. العلم نور.

تشبیه به اعتبار مفرد و مرکب بودن طرفین تشبیه:



الف) گاه هر دو طرف تشبیه مفرد هستند . العلمُ کالتور .

ب) گاه هر دو طرف تشبیه مرکبند . کأنّ سهيلاً و التّجوم وراءه

" ..... و ذؤبان العرب " ( گرگ های عرب )

تشبیه بلیغ ( حضرت، اعراب را به لحاظ درنده خویی به گرگ تشبیه کرده اند. )

" ظهر فيكم حسيكة النفاق ( خارهای دورویی )

تشبیه بلیغ ( نفاق به خارهایی تشبیه شده که بر اهل حق فرود می آید. )

" و نصبرُ منكم علىّ مثل حذ المدي ( وما صبر مي کنيم در آن چه از ناحیه شما بر ما می رسد که مثل بریدن

کاردهاست دل و جگر ما را )

تشبیه تمثیلی

" و خز السنان في الحشاء ( فرو رفتن سرنیزه در درون انسان )

تشبیه مرکب ( یعنی ظلم شما چون کارد تیزی درون ما را می شکافد. ) ( وما به خاطر مصالح اسلام برآن

صبر می کنيم )

" حتی إذا دارات بنا رحي الإسلام " ( تا آسیای اسلام بر محور وجود خاندان ما به گردش درآمد )

تشبیه بلیغ در " رحي الإسلام " ( اسلام به سنگ آسیاب تشبیه شده که به واسطه وجود این خاندان می چرخد. )

" خمدت نيران الكفر " ( آتش های کفر خاموش شد )

تشبیه بلیغ ( کفر به آتش تشبیه شده کنایه از تسلیم مشرکین و کافرین در مقابل اسلام )

" و هدآت دعوه الهرج " ( موج فتنه آرام گرفت )

تشبیه بلیغ ( مراد از شورش و هرج و مرج، فتنه است که به سبب فداکاری خاندان و شیعیان ایشان سرکوب



شده است. (

" یابن ابی طالب! اشتملت شَمْلَةَ الْجَنینِ و قعدت حُجْرَةَ الظنین؟ " ( آیا مانند جنین پرده پوشیده ای و همانند

افراد متهم به گوشه ای نشسته ای؟ )

نتیجه گیری:

مقاله حاضر به بررسی صنایع بلاغی موجود در خطبه فدکیه که توسط بزرگ بانوی دوجهان حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها ایراد گشته است، می پردازد. خطبه باهدف مبارزه با ظلم وستم، استیفای حق، دفاع از کیان دین مبین اسلام و ولایت می باشد. و حضرت در خطبه خود، افراد متعددی را مورد خطاب قرار می دهد. از آنجا که ایراد خطبه برای دفاع از حق بوده است، دارای محتوایی چون حمد و سپاس، توبیخ، تحقیر، مؤاخذه و تهدید است. اما در عین حال شگفت انگیز و زنده است.

آن چه از مضمون خطبه برمی آید حکایت از موارد عدیده استعاره و کنایه می باشد. واز جمله نقاط برجسته خطبه، اقتباس از قرآن و بهره گیری از استدلال های قرآنی است که در قالب زیبای تلمیح جلوه نمایی می کند. همین تعابیر زیبا سبب گشته تا این خطبه تأثیر بیشتری بر مخاطب گذاشته و وی را اقناع سازد.

فهرست منابع و مآخذ:

القرآن الکریم.

۱. بستانی، فؤاد افرام، المعجم، ج ۱، ۱۳۹۳، بندر ریگی، محمد، (مترجم) نشر اسلامی، چ چهارم
۲. تفتازانی، مسعود بن عمر، المطول، ۱۳۸۸ ش، کوخ، چ اول.
۳. حسینی، جعفر، ۱۳۹۲، قم، بوستان کتاب، چ سوم.
۴. حسینی زنجانی، عزالدین، شرح خطبه حضرت زهرا سلام الله علیها، ۱۳۷۵ ش، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
۵. رامبوری، محمد، و ثروت، منصور، ج ۱، ۱۳۸۸، انتشارات امیر کبیر، چ سوم.
۶. سیوطی، جلال الدین، الإیتقان، چ ۲، ۱۴۱۶ ق، دارالفکر.



۷. شهیدی، سیدجعفر، زندگانی حضرت زهرا سلام الله علیها، ۱۳۹۴، فرهنگ اسلامی، چ شصتم.
۸. فیروز آبادی، محمد بن یعقوب القاموس المحیط، ج ۴، بیروت، دار الکتب العلمیة، چ اول.
۹. عالم زاده، هادی، دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر، ترجمه خطبه فدکیه.
۱۱. هاشمی، سیداحمد، جواهر البلاغة، عرفان، حسن، (مترجم) چ چهارم.